

بررسی میزان آشنایی با مفاهیم استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در مدرسان حسابداری

زهره حاجیها، حسین رجب‌ذری^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۱/۳۰

چکیده

هدف این پژوهش بررسی میزان آشنایی با مفاهیم استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در مدرسان حسابداری است. عوامل اصلی به موضوع‌های بنیادی و کلان موثر در آموزش و عوامل فرعی به موضوع‌های خرد اشاره دارد. مطالعه پیش‌رو از نوع پیمایشی-کاربردی است. بررسی موضوع از طریق پرسشنامه و نمونه‌گیری از ۱۱۱ نفر از مدرسان حسابداری سطح کشور در سال ۱۳۹۵ صورت گرفت. برای تحلیل یافته‌ها در قالب ۳ فرضیه اصلی از آزمون‌های T تک‌نمونه‌ای و کای‌دو و برای بررسی اولویت یافته‌ها از آزمون فریدمن در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، هر دو مقوله عوامل اصلی و عوامل فرعی در سطح اهمیت بالاتر از متوسط قرار داشته و بین اولویت پاسخ‌دهندگان از نظر آماری تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین بر اساس اولویت تعیین شده مولفه "اطلاع از اصول حسابداری" از عوامل اصلی و مولفه "آشنایی با ساختار صورت‌های مالی" از عوامل فرعی، دارای بیشترین میزان اهمیت است و در جهت گسترش آموزش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی باید به آن‌ها توجه ویژه گردد.

واژه‌های کلیدی: استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، مدرسان، حسابداری، آموزش.

طبقه‌بندی موضوعی: G11, M19

کد DOI مقاله: 10.22051/ijar.2017.13197.1237

^۱ دانشیار گروه حسابداری دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، (drzhajiha@gmail.com)

^۲ دانشجوی دکتری حسابداری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، (نویسنده مسئول)، (hosrado@gmail.com)

مقدمه

حسابداری در دنیای امروز به دنبال ایجاد یکپارچگی جهانی در سطحی وسیعی از بازارها و سیاست‌گذاری‌ها است. منظور از سیاست‌گذاری‌ها در واقع کاهش هزینه‌های ارتباطات و فناوری اطلاعات است. برای ایجاد این یکپارچگی باید استانداردهای یکپارچه‌ای برای گزارشگری و عملکرد، مد نظر قرار گیرد (بال، ۲۰۰۶). در این زمینه افزایش تقاضا برای قابلیت مقایسه در گزارشگری مالی، به دلیل افزایش فعالیت‌های تجارت بین‌المللی و مشارکت بیشتر در بازارهای مالی جهانی به وجود آمده است. اگر واحد تجاری سیاست‌های حسابداری سازگار با استانداردهای بین‌المللی را انتخاب کند، قابلیت مقایسه گزارشگری با دیگر شرکت‌هایی که از استانداردهای بین‌المللی استفاده می‌کنند، افزایش می‌یابد (حجازی و همکاران، ۱۳۹۲). در جهت انطباق با رشد و پیشرفت جامعه جهانی، کمیته استانداردهای حسابداری بین‌المللی در سال ۱۹۷۳ توسط انجمن‌های حرفه‌ای حسابداری کشورهای آمریکا، انگلیس، کانادا، استرالیا، ژاپن، فرانسه، آلمان غربی، مکزیک و هلند با هدف تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری تشکیل شد (سجادی و عربی، ۱۳۹۰). آچلیتنر (۲۰۰۵) معتقد است که شناخت متقابل از وضعیت مالی کشورها، تنها در کشورهایی امکان‌پذیر است که زیر بنای اصول حسابداری مشابهی دارند. در صورت استفاده از استانداردهای یکنواخت گزارشگری مالی، به سادگی می‌توان وضعیت مالی شرکت‌های سراسر دنیا را با هم مقایسه کرد. اگر چه قابلیت مقایسه در استانداردهای ملی هر کشور نیز وجود دارد، اما مقایسه‌پذیری حقیقی نیاز حیاتی بازار، پژوهشگران و سرمایه‌گذاران است که با استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی این نیازها تا حدی برطرف می‌گردد (استفانو و همکاران، ۲۰۱۰). همچنین بونک و اسمیت (۱۹۹۸) در یک بررسی ادعا نمودند که نظام آموزش حسابداری به منظور بالا بردن مهارت‌های تفکر انتقادی و خلاق برای مواجهه با مسایل اقتصاد جهانی در قرن بیست و یکم، نیاز به بازنگری دارد. در عصر پیشرفت‌های سریع، حسابداری ناچار است به روز باشد و منطبق با نیازهای استفاده‌کنندگان رشد یابد تا به عنوان یک خدمت مستهلک شده به حساب نیاید. با رشد روز افزون مبادله‌ها در سطح بین‌المللی، پیچیدگی روابط تجاری و تراکم کسب و کار در فضای رقابت جهانی، هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری مورد توجه قرار گرفت. این نیاز در جامعه جهانی کاملاً درک شده و پژوهش‌های بسیاری در این خصوص انجام شده است (رحمانی و علی‌پور، ۱۳۹۰). یکی از مواردی که نیاز به توجه بیش از پیش دارد، آموزش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی

به دانشجویان است. از آنجا که برای پویایی حرفه، وضعیت آموزش و منابع آن نیز باید به روز و کارآمد باشد، لازم است که این مقوله مورد توجه قرار گرفته و با پژوهش‌هایی اولویت‌های آن از دیدگاه خبرگان دانشگاهی روشن شود. در این پژوهش با استفاده از عوامل موثر تعیین شده توسط اوکپونگ و ودو (۲۰۱۴) دو گروه از عوامل اصلی و فرعی به عنوان عوامل موثر در آموزش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی طرح گردیده و مورد بررسی قرار گرفته است. بنابر اعتقاد آنان، عوامل اصلی به موارد کلانی که بیشتر به اصول و مفاهیم حسابداری مرتبط است اشاره دارد. عوامل فرعی نیز به موارد خرد مانند صورت‌های مالی که بر اساس اصول حسابداری باید آن را تهیه کرد، اشاره دارد (اوکپونگ و ودو، ۲۰۱۴). می‌توان نام‌گذاری اصلی و فرعی و استفاده از تقسیم‌بندی اوکپونگ و ودو (۲۰۱۴) را از این باب توجیه کرد که بدون وجود اصول اصلی و طرح شده، تهیه صورت‌های مالی و موارد فرعی غیرممکن است. بنابراین هدف اصلی این پژوهش بررسی میزان آشنایی با موارد اصلی و فرعی موثر در آموزش استانداردهای بین‌المللی مالی و پاسخ به این سوال است که میزان آشنایی مدرسان با هر یک از عوامل بیان شده چقدر است؟ همچنین با توجه به اینکه تاکنون این مساله مورد بررسی و ارزیابی قرار نگرفته است، لازم است که مورد بررسی قرار گیرد.

در این زمینه پژوهش‌هایی نیز صورت گرفته است. برای نمونه در ایران فروغی و اشرفی (۱۳۸۸) در پژوهشی نقاط مثبت استانداردهای گزارشگری بین‌المللی مالی را در سه طبقه کلی افزایش قابلیت مقایسه، ارتقای کیفیت گزارشگری مالی و صرفه‌جویی در زمان و هزینه، مورد بررسی قرار دادند. رحمانی و علی‌پور (۱۳۹۰) دریافتند که جامعه حسابداری ایران در مورد پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری موافق است و مهم‌ترین مزیت این هماهنگ‌سازی از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، امکان انتقال سرمایه در سطح بین‌المللی است. حجازی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی دریافتند که بر اساس اظهارنظر دانشگاهیان، حساب‌رسان و حسابداران، پذیرش استانداردهای حسابداری بین‌المللی بر محیط ایران اثر اقتصادی دارد؛ به‌علاوه میان اظهارنظر پاسخگویان تفاوت معناداری وجود ندارد. آقاسی (۱۳۹۴) در پژوهشی با هدف بررسی موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی از سوی سازمان امور مالیاتی، دریافت که فقدان زیرساخت‌های اقتصادی توسعه در رتبه اول موانع پذیرش قرار دارد. ابراهیم‌پور و همکاران (۱۳۹۵) پیامدهای مثبت و منفی پذیرش استانداردهای بین‌المللی را مورد

بررسی قرار داده‌اند. پیامدهای مثبت شامل، افزایش کیفیت و قابلیت مقایسه گزارش‌گری مالی و صرفه‌جویی در زمان و هزینه و پیامدهای منفی آن که به اعتقاد عده‌ای دلایلی بر رد این هماهنگ‌سازی است، شامل استفاده از ارزش منصفانه، شرایط اقتصادی و سیاسی نامشابه و عدم حفظ منافع همه گروه‌های ذینفع است.

پژوهش‌های خارجی مرتبط با استانداردهای گزارش‌گری بین‌المللی مالی نیز به وفور یافت می‌شود. برای نمونه تساکومیس (۲۰۰۹)، به نقل از حجازی و همکاران، (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان "استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گری مالی" دریافت که تفاوت‌های فرهنگی باعث می‌شود حسابداران کشورهای مختلف، استانداردهای حسابداری را به گونه‌ای متفاوت تفسیر کنند. درز (۲۰۱۲) در بررسی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گری مالی در چین به این نتیجه دست یافت که اجرای استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گری مالی به میزان قابل توجهی با عوامل داخلی و خارجی در ارتباط است. همچنین این مطالعه پیشنهاد می‌کند که چین باید استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گری مالی مبتنی بر حسابداری داخلی خود را ادامه داده و در مواردی که نیاز است، استانداردها همگرایی بیشتری با استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گری مالی داشته باشند. الزبان (۲۰۱۶) در پژوهشی دریافت که عوامل نگرش استاد، اندازه بخش حسابداری، شیوه آموزش، نوع موسسه، تجربه آموزش و محتوای آموزشی در انتقال مفاهیم استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گری مالی به دانشجویان موثر است.

اگر چه پژوهش‌های موثری در این زمینه در داخل و خارج از کشور صورت گرفته، اما در ایران پژوهشی که به بررسی میزان آشنایی مدرسان با موارد مرتبط با استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گری مالی باشد، مشاهده نشد، بنابراین ضروری است که این موضوع مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان با استفاده از یافته‌های آن مسیر توسعه و ترویج استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گری مالی را در مجموعه‌های آموزشی و حرفه‌ای هموار نمود.

روش‌شناسی پژوهش

فرضیه‌ها

اکنون با توجه به اهداف پژوهش و با نگاهی به دو گروه، عوامل موثر تعیین شده اوکیونگ و ودو (۲۰۱۴) که دو گروه از عوامل اصلی و فرعی را به عنوان عوامل موثر در آموزش

استانداردهای بین‌المللی مالی گزارشگری مالی مطرح کرده‌اند، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر تبیین می‌گردد:

فرضیه اول: آشنایی با مفاهیم اصلی صورت‌های مالی (بر اساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی) در مدرسان حسابداری، در سطح بالاتر از متوسط قرار دارد.

فرضیه دوم: آشنایی با مفاهیم فرعی صورت‌های مالی (بر اساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی) در مدرسان حسابداری، در سطح بالاتر از متوسط قرار دارد.

فرضیه سوم: بین اولویت‌بندی تعیین شده توسط پاسخ دهندگان تفاوت معناداری وجود دارد.

روش اجرای پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از حیث گردآوری داده‌ها توصیفی-پیمایشی است. همچنین روش‌های گردآوری اطلاعات اولیه در این پژوهش ترکیبی از روش‌های تحقیق کتابخانه‌ای و میدانی است. در روش کتابخانه‌ای از طریق مطالعه، ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش، چارچوبی مناسب برای موضوع فراهم و در روش میدانی، از طریق ابزار پرسشنامه اطلاعات مورد نیاز برای بررسی موضوع گردآوری شد. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه اوپونگ و ودو (۲۰۱۴) استفاده شد. در پرسشنامه ذکر شده از طیف لیکرت و گزینه‌های "کاملاً مخالف"، "مخالف"، "نه موافق و نه مخالف"، "موافق" و "کاملاً موافق" برای پاسخگویی استفاده شد. استفاده از پرسشنامه‌ها پس از دریافت نظرهای کارشناسی و تأیید استادان دانشگاهی و صاحب‌نظران مختلف بود. بدین معنا که روایی ظاهری و محتوایی پرسشنامه‌ها مورد تأیید قرار گرفت.

جمع‌آوری نظرها به دو شیوه حضوری و مجازی صورت گرفته است. در برآورد پایایی پرسشنامه پژوهش حاضر از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. پس از بررسی آلفای کرونباخ پرسشنامه‌ها در نرم‌افزار SPSS، ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۸۱۲ تعیین گردید و پایایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت.

در تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده و تبدیل پاسخ‌های کیفی به مقادیر کمی، از روش وزن‌دهی (ارزش‌گذاری) استفاده شده است؛ بدین صورت که با محاسبه میانگین مربوط به هر پرسش، امتیاز هر یک از آن‌ها مشخص می‌گردد. از نظر آماری، زمانی می‌توان فرضیه‌های

مطرح شده را پذیرفت که نمره توافقی که اعضا به این پرسش داده‌اند، مساوی مقدار میانگین طیف ارزشی مورد بررسی (عدد ۳) باشد.

جامعه و نمونه

جامعه پژوهش مورد نظر، کل مدرسان حسابداری است. با توجه به اینکه دسترسی به کل افراد ذکر شده با پراکندگی‌های مختلف، سخت و تا حدودی غیرممکن است و آمار رسمی از تعداد آن‌ها نیز وجود ندارد، تعداد جامعه آماری نامشخص فرض شد. بنابراین، برای محاسبه حجم نمونه در جامعه نامشخص از رابطه (۲) استفاده شد. δ انحراف معیار برای داده‌های طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای از رابطه (۱) برابر با ۰/۶۶۷ است (مومنی و فعال‌قیومی، ۱۳۸۹: ۲۱۹). با توجه به رابطه (۲) حجم نمونه حدود ۱۷۰ نفر به دست می‌آید.

$$\delta = \frac{\max(\quad) - \min(\quad)}{6} = \frac{5-1}{6} = 0.667 \quad (1)$$

$$= \frac{\frac{\alpha}{\epsilon} \delta^2}{\epsilon^2} = \frac{(1/96)^2 (0.667)^2}{(0.1)^2} = 170 \quad (2)$$

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای توصیف نمونه از شاخص‌های آمار توصیفی و برای آزمون سوال‌های پژوهش از آزمون‌های استنباطی استفاده شد. برای بررسی موضوع پس از بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون T تک نمونه‌ای و برای بررسی اولویت‌بندی مولفه‌های آن از آزمون فریدمن استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

برای دریافت پاسخ‌ها، پرسشنامه در محیط فرم‌نگار گوگل، دعوت‌نامه تکمیل و برای ۳۰۰ نفر از مدرسان حسابداری در سطح کشور ارسال و از آنان درخواست شد که در صورت امکان به سایر مدرسان نیز ارسال نمایند. در ادامه ۱۱۱ پرسشنامه دریافت شد. نگاره ۱ اطلاعات پاسخ‌دهندگان را نشان می‌دهد.

نگاره (۱): اطلاعات جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان

جنسیت	تعداد	مدرک تحصیلی	تعداد
مرد	۶۸	دکتری	۱۹
زن	۴۳	دانشجوی دکتری	۳۳
جمع	۱۱۱	کارشناسی ارشد	۵۹

میانگین سن پاسخ‌دهندگان ۳۴/۰۸ با انحراف معیار ۶/۱۵ و میانگین سابقه کار پاسخ‌دهندگان نیز ۱۰/۲۱ سال با انحراف معیار ۵/۲۹ است. این اطلاعات نشان می‌دهند که جامعه آماری این مطالعه از شرایط مناسبی برخوردار بوده و واجد شرایط بوده‌اند. در نتیجه یافته‌ها، تا آن جایی که به ویژگی جامعه شناختی ارتباط پیدا می‌کند، دارای ویژگی کیفی لازم نیز می‌باشند.

آمار استنباطی

برای بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کلموگوروف-اسمیرنوف استفاده شد. یافته‌های آزمون بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش در نگاره شماره ۲ نشان داده شده است.

نگاره (۲): بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش

یافته‌ها	مفاهیم اصلی	مفاهیم فرعی
انحراف استاندارد	۰/۸۱۵۷۴	۰/۷۲۵۷۵
کلموگوروف-اسمیرنوف Z	۰/۳۴۱	۰/۵۷۳
معناداری	۰/۲۸۵	۰/۵۴۷

با توجه به یافته‌های نگاره ۲، معناداری هر دو متغیر بالاتر از ۰/۰۵ است و بنابراین هر دو متغیر دارای توزیع نرمال هستند که با توجه به نرمال بودن داده‌ها می‌توان از آزمون‌های پارامتریک برای بررسی موضوع استفاده نمود.

یافته‌های آزمون فرضیه‌ها

در این بخش ابتدا یافته‌های آماری حاصل از فرضیه‌های اصلی آورده شده و سپس هر یک از فرضیه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. یافته‌های آزمون فرضیه‌های اصلی در نگاره ۳ آورده شده است.

نگاره (۳): یافته‌های آزمون فرضیه‌های اصلی پژوهش

فاصله اطمینان ۹۵ درصدی اختلاف	سطح معناداری	انحراف معیار	میانگین	آماره T	مؤلفه
۰/۹۰۴۹	۰/۰۰۰	۰/۵۳۳۴۸	۳/۹۱	۷/۹۸۰	۱ آشنایی با مفاهیم اصلی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی
۰/۰۹۷۲	۰/۰۰۲	۰/۵۰۹۳۰	۳/۷۶	۶/۲۰۷	۲ آشنایی با مفاهیم فرعی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی

همان‌طور که در نگاره ۳ مشاهده می‌شود، سطح معناداری دو فرضیه مورد بررسی، معادل ۰/۰۰۰ و ۰/۰۰۲ بوده و از مقدار خطای ۰/۰۵ کوچکتر است. بنابراین می‌توان دریافت که میانگین جامعه، در مورد این متغیرها بیشتر از مقدار آزمون قرار دارد. نتیجه کلی بدین صورت قابل تبیین خواهد بود که موضوع آزمون شده با توجه به وضعیت مشاهده شده در وضعیت بالاتر از میانگین ارزشی قرارداد و هر دو فرضیه مورد تایید قرار می‌گیرد.

بر اساس یافته‌ها، میانگین "آشنایی با مفاهیم اصلی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی" بیشتر از میانگین "آشنایی با مفاهیم فرعی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی" است. این موضوع می‌تواند ناشی از این باشد که مفاهیم اصلی در سطح گسترده‌تر و اهمیت بیشتری از مفاهیم فرعی قرار دارد، زیرا بدون اطلاع و وجود مفاهیم اصلی، مفاهیم فرعی بدون پشتوانه لازم برای اجرایی شدن است که این موضوع در یافته‌های پژوهش تایید شده است.

برای بررسی فرضیه سوم نیز از آزمون کای دو (χ^2) استفاده شده که یافته‌های آن در نگاره ۴ بیان شده است.

نگاره (۴): یافته‌های آزمون کای دو فرضیه سوم پژوهش

یافته‌ها	اولویت پاسخ دهندگان
کای دو	۰/۰۰۰
درجه آزادی	۱
معناداری	۰/۰۰۰

بر اساس شواهد موجود در نگاره ۴، سطح معناداری معادل ۰/۰۰۰ است که از مقدار خطای ۰/۰۵ کوچکتر است که این موضوع تفاوت معنادار اولویت‌ها در سطح اطمینان ۵ درصد را نشان می‌دهد.

اولویت‌بندی مولفه‌ها

برای اولویت‌بندی و تعیین تقدم و تاخر هر یک از ابعاد مورد بررسی، از آزمون فریدمن استفاده شد. نگاره ۵ یافته‌های آزمون فریدمن برای فرضیه‌های پژوهش را نشان می‌دهد.

نگاره (۵): یافته‌های آزمون فریدمن در رابطه با تفاوت در اولویت مفاهیم اصلی و فرعی

استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی

فرضیه	تعداد	آماره کای دو	درجه آزادی	سطح معناداری
اول	۱۱۱	۴۷/۲۳۷	۷	۰/۰۰۰
دوم	۱۱۱	۵۱/۵۷۳	۵	۰/۰۰۰

یافته‌های نگاره ۵ نشان می‌دهد که سطح معناداری هر دو آزمون ۰/۰۰۰ است که نشان از رد شدن فرض صفر دارد. بنابراین ابعاد اصلی و فرعی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در جامعه مورد بررسی دارای اولویت‌های متفاوت است. در ادامه نگاره ۶ بررسی میانگین و تقدم و تاخر مولفه‌های مرتبط با مفاهیم اصلی و فرعی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را نشان می‌دهد.

بر اساس یافته‌های ارائه شده در نگاره ۶ در مفاهیم اصلی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، "اطلاع از اصول حسابداری" در اولویت اول قرار دارد و سپس "درک مفاهیم استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی" و "آگاهی از تصویب قوانین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی" دو اولویت بعد را به خود اختصاص داده‌اند. در مولفه‌های مرتبط با مفاهیم فرعی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نیز به ترتیب "آشنایی با ساختار صورت‌های مالی"، "آشنایی با محتوای صورت‌های مالی" و "آشنایی با شیوه‌های رایج صورت‌های مالی" اولویت‌های اول تا سوم را به خود اختصاص داده‌اند.

نگاره (۶): بررسی میانگین ابعاد اصلی و فرعی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی

مولفه‌های مرتبط با مفاهیم اصلی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی		مولفه‌های مرتبط با مفاهیم فرعی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی	
میانگین رتبه‌ها	مولفه‌ها	میانگین رتبه‌ها	مولفه‌ها
۴/۲۶	اطلاع از اصول حسابداری	۴/۳۴	آشنایی با ساختار صورت‌های مالی
۴/۱۶	درک مفاهیم استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی	۴/۲۸	آشنایی با محتوای صورت‌های مالی
۴/۰۱	آگاهی از تصویب قوانین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی	۴/۱۷	آشنایی با شیوه‌های رایج صورت‌های مالی
۳/۹۴	اطلاع از شیوه‌های به رسمیت شناختن درآمد در استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی	۳/۳۴	آشنایی با موارد مورد نیاز برای تهیه صورت‌های مالی
۳/۸۹	اطلاع از شیوه‌های اندازه‌گیری دارایی و بدهی در استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی	۳/۲۶	آشنایی با شیوه‌های رایج و افشا صورت‌های مالی
۳/۷۶	اطلاع از شیوه‌های محاسبه مالیات در استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی	۳/۱۸	آشنایی با تاریخ‌های گزارشگری
۳/۶۸	اطلاع از شیوه‌های اندازه‌گیری استهلاک در استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی		
۳/۵۹	آشنایی به اسامی و اصطلاحات مربوط به استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی		

در رابطه با مفاهیم اصلی قابل بیان است که برای گسترش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، در مدرسان اطلاع از اصول حسابداری در اولویت اول قرار دارد. در اولویت دوم نیز درک مفاهیم مشاهده می‌شود. می‌توان بیان داشت که برای بسط و گسترش استانداردهای گزارشگری بین‌المللی مالی، اطلاع از عوامل زمینه‌ای اصول و استانداردها و درک صحیح از آن در اولویت‌های اول و دوم قرار دارد. این یافته، منطقی و معقول است، زیرا هر علمی بدون اطلاع مدرسان از اصول و استانداردهای آن و درک صحیح از آن توسط مدرسان قابل آموزش نیست و استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نیز از این موضوع مستثنی نیست.

در رابطه با مفاهیم فرعی نیز قابل بیان است که در ابتدا برای تهیه صورت‌های مالی باید با چارچوب آن آشنا و سپس محتوای آن را درک کرد. در این زمینه نیز یافته‌های پژوهش این موضوع را تایید و تصدیق می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، بررسی میزان آشنایی با مفاهیم استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در مدرسان حسابداری بود. برای حفظ پویایی حرفه و افزایش کیفیت تدریس و به تبع آن فارغ‌التحصیلان حسابداری، لازم است که به برنامه درسی این رشته توجه ویژه شود. در این پژوهش میزان آشنایی مدرسان با دو دسته عوامل اصلی و فرعی موثر در آموزش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در مدرسان حسابداری مورد بررسی قرار گرفت. عوامل اصلی به موارد کلانی که بیشتر به اصول و مفاهیم حسابداری مرتبط است اشاره دارد. عوامل فرعی نیز به موارد خرد نظیر صورت‌های مالی که بر اساس اصول حسابداری باید آن را تهیه کرد، اشاره دارد (اوکپونگ و ودو، ۲۰۱۴). یافته‌های پژوهش نشان داد که از دیدگاه پاسخ‌دهندگان هر دو گروه عوامل مورد بررسی دارای سطح اهمیت بالاتر از متوسط است. همچنین بر اساس آزمون کای‌دو بین پاسخ‌های دو مقوله مورد بررسی تفاوت معنادار وجود دارد. بررسی اولویت پاسخ‌دهندگان با استفاده از آزمون فریدمن نیز نشان داد که در مفاهیم اصلی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، "اطلاع از اصول حسابداری" در اولویت اول و سپس "درک مفاهیم استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی" و "آگاهی از تصویب قوانین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی" دو اولویت بعد را به خود اختصاص داده‌اند. علت اولویت اصول حسابداری می‌تواند ناشی از اهمیت پایه‌ای و بنیادی آن باشد، زیرا بدون اصلاح از آن سایر ابعاد حسابداری در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. در مولفه‌های مرتبط با مفاهیم فرعی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نیز به ترتیب "آشنایی با ساختار صورت‌های مالی"، "آشنایی با محتوای صورت‌های مالی" و "آشنایی با شیوه‌های ارائه صورت‌های مالی" اولویت‌های اول تا سوم را به خود اختصاص داده‌اند. یافته‌های این پژوهش را که دال بر اهمیت توجه به استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی است، با پژوهش‌هایی مانند حجازی و همکاران (۱۳۹۲)، آقاسی (۱۳۹۴)، ابراهیم‌پور و همکاران (۱۳۹۵) و درز (۲۰۱۲)، اوکپونگ و ودو (۲۰۱۴) و الزبان (۲۰۱۶) همسو است.

این پژوهش نیز مانند سایر پژوهش‌ها دارای محدودیت‌هایی است. استفاده از پرسشنامه و تعداد پاسخ‌دهندگان را می‌توان به‌عنوان یک محدودیت در این مقاله نام برد. همچنین پیشنهاد می‌گردد که با توجه به عمومیت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در سطح کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه، این موضوع در برنامه درسی دانشجویان گنجانده شود و به آن توجه گردد. همچنین برای افزایش کیفیت تدریس، در دوره‌هایی مدرسان مورد آموزش قرار داده شوند تا به روز رسانی و بازآموزی صورت گیرد. به پژوهشگران آتی نیز پیشنهاد می‌گردد که موضوع‌هایی مانند افزایش کیفیت در آموزش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و شیوه‌های آموزش و موارد مورد نیاز برای آموزش آن را مورد بررسی قرار دهند.

منابع

- Achleitner, A.) 2005 (. International– Accounting– Standards: Ein Lehrbuch Zur internationalen Rechnungslegung; Franz Vahlen GmbH; Munchen; 2. Auflage .
- Agassi, S. (2016). Barriers full acceptance of IFRS financial reporting standards and guidelines required by the tax authorities. International Conference on Management, Economics and Financial Systems, Dubai, Pndarandysch Rahpoe company. (In Persian)
- Alzeban, A. (2016). Factors influencing adoption of the international financial reporting standards (IFRS) in accounting education. Journal of International Education in Business, 9 (1) , 1- 20.
- Ball, R. (2006). IFRS: Pros and Cons for Investors. Accounting & Business Research, 33 ,InternationalAccounting Policy Forum.
- Bonk, C. J. , and Smith, G. S. (1998). Alternative Instructional Strategies for Creative and Critical Thinking in the Accounting Curriculum. Journal of Accounting Education, 16 (2) , 261-293
- Draz, M. (2012). IFRS or IFRS-based domestic standards: Implications for China's future accounting system. Retrieved from <http://papers.ssrn.com/abstract=2134519> .
- Foroughi, D. , and Ashrafi, M. (2010). Global accounting standards challenges and opportunities. Journal of CPAs, 8, 96- 103. (In Persian)
- Hejazi, R. , Soleimaniamiri, Gh. , and Omid, M. (2014). The effects of the adoption of international accounting standards in economic aspects of the environment. Accounting Advances, 5, 87- 111. (In Persian)
- Ibrahimpoor, S. , Malekian, E. , and Ali Talebtabar. (2016). Consequences of International Accounting Standards in developing and improving the delivery of financial reports in Iran. Fifth International Conference on Entrepreneurship and Innovation Open billing and Conference, Tehran, October Hmayshgran illumination. (In Persian)

- Momeni, M. , and Falqyvmy, A. (2011). Statistical analysis using SPSS. Second Edition, Tehran: Ketabenow. (In Persian)
- Rahmani, A. , and Ali Pour, Sh. (2011). Accounting community views Iran's acceptance of international accounting standards. CPA Journal, 14, 56- 61. (In Persian)
- Sajadi, H. , and Arabi, M. (2011). The effect of international accounting standards on the quality of accounting. CPA Journal, 17, 87- 91. (In Persian)
- Stefano, Cascino , et al. (2010). Mandatory IFRS adoption and accounting comparability , Working paper, London School of Economics.
- Ukpong, O. , and Udo, S. (2014). SUFFICIENCY OF ACCOUNTING CURRICULUM IN EQUIPPING STUDENTS WITH INTERNATIONAL FINANCIAL REPORTING STANDARDS (IFRS) SKILLS IN NIGERIAN UNIVERSITIES. Academic Discourse: An International Journal, 7 (1)

